

نظریه همنشینی افتراقی در آئینه گلستان سعدی

معین الدین دریائی^۱، محمدرضا رحمت^۲، محمود صادق زاده^۳

۱. گروه حقوق، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران

۳. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: Rahmat@meybod.ac.ir

چکیده

این پژوهش به تحلیل روابط اجتماعی و همنشینی‌های شخصیت‌های گلستان سعدی از منظر نظریه همنشینی افتراقی ادوین ساترلند پرداخته است. نظریه همنشینی افتراقی تأکید دارد که رفتارهای اجتماعی، به‌ویژه انحرافی، از طریق تعاملات و یادگیری از هم‌نشینان شکل می‌گیرد. هدف تحقیق، بررسی تأثیر محیط اجتماعی و روابط انسانی بر رفتار شخصیت‌ها و ارائه الگوهایی برای پیشگیری اجتماعی از جرم است. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوا، حکایات گلستان سعدی را از دیدگاه جرم‌شناسی و تأثیر روابط اجتماعی بر رفتار شخصیت‌ها مورد بررسی قرار داده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که محیط‌های اجتماعی و هم‌نشینی‌های مثبت شخصیت‌ها را به سمت رفتارهای اخلاقی و اجتماعی هدایت می‌کند، در حالی که محیط‌های فاسد موجب بروز رفتارهای انحرافی می‌شود. این یافته‌ها تأکید می‌کنند که آموزه‌های سعدی می‌توانند در پیشگیری از جرم و ارتقاء روابط اجتماعی مثبت در جامعه امروز مؤثر باشند. تحلیل حکایات نشان می‌دهد که سعدی با ظرافت خاصی به نقش تعیین‌کننده محیط و هم‌نشینان در شکل‌گیری شخصیت و رفتار افراد توجه داشته است.

کلیدواژگان: همنشینی افتراقی، گلستان سعدی، روابط اجتماعی، پیشگیری از جرم، محیط اجتماعی، جرم‌شناسی



شیوه استناددهی: دریائی، معین‌الدین، رحمت، محمدرضا، و صادق زاده، محمود. (۱۴۰۴). نظریه همنشینی افتراقی در آئینه گلستان سعدی. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۳(۱)، ۱۸-۱.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۷ دی ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۳۱ خرداد ۱۴۰۴

The Treasury of Persian Language and Literature

The Theory of Differential Association in the Mirror of Saadi's Gulistan

Moein Aldin Daryaei¹, Mohammadreza Rahmat^{2*}, Mahmood Sadeghzadeh³

1. Department of Law, Ya.c., Islamic Azad University, Yazd, Iran

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Theology, Meybod University, Meybod, Iran

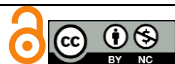
3. Department of Persian Language and Literature, Ya.c., Islamic Azad University, Yazd, Iran

*Corresponding Author's Email: Rahmat@meybod.ac.ir

Abstract

This study analyzes the social relationships and associations of characters in Saadi's Gulistan through the lens of Edwin Sutherland's theory of differential association. The differential association theory emphasizes that social behaviors—particularly deviant ones—are shaped through interactions and learning from companions. The aim of this research is to investigate the influence of social environments and human relationships on the behavior of characters and to present models for social crime prevention. Using content analysis methodology, this study examines the anecdotes in Gulistan from a criminological perspective, focusing on how social relationships affect the characters' behaviors. The findings indicate that positive social environments and associations guide individuals toward ethical and socially constructive behaviors, whereas corrupt environments give rise to deviant conduct. These results underscore that Saadi's teachings can be effective in crime prevention and in promoting positive social relations in contemporary society. The analysis of anecdotes reveals that Saadi, with particular sensitivity, highlights the decisive role of environment and companions in the formation of personality and behavior.

Keywords: *Differential association, Saadi's Gulistan, social relationships, crime prevention, social environment, criminology.*



How to cite: Daryaei, M. A., Rahmat, M., & Sadeghzadeh, M. (2025). The Theory of Differential Association in the Mirror of Saadi's Gulistan. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 3(1), 1-18.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 06 January 2025

Revise Date: 14 May 2025

Accept Date: 21 May 2025

Publish Date: 21 June 2025

همنشینی‌ها در حکایات سعدی می‌تواند باعث تقویت یا پیشگیری از رفتارهای انحرافی شود. همچنین، این پژوهش به دنبال آن است که مشخص کند آیا گلستان سعدی می‌تواند به‌عنوان الگویی برای پیشگیری اجتماعی و جرم‌شناسی مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر این، سوالی که پژوهش را هدایت می‌کند، این است که چگونه آموزه‌های تربیتی سعدی با نظریه همنشینی افتراقی همخوانی دارد و این همخوانی چگونه می‌تواند در جامعه امروز کاربرد داشته باشد. هدف این پژوهش، بررسی و تحلیل تأثیر روابط اجتماعی و همنشینی‌ها بر رفتار شخصیت‌های داستانی گلستان از منظر نظریه همنشینی افتراقی است. این پژوهش تلاش دارد تا با شناسایی ویژگی‌های تربیتی و روابط اجتماعی موجود در حکایات سعدی، به تحلیل چگونگی تأثیر محیط و معاشران بر رفتارهای اجتماعی و انحرافی بپردازد. هدف دیگر این پژوهش، ارائه الگوهایی برای پیشگیری اجتماعی بر اساس آموزه‌های اخلاقی و تربیتی سعدی است که می‌تواند در کاهش رفتارهای انحرافی و جرایم در جامعه کنونی کاربردی باشد. از این رو، هدف کلی پژوهش، به کارگیری نتایج حاصل از این تحلیل در راستای بهبود برنامه‌های تربیتی و پیشگیری اجتماعی است. همچنین پژوهش حاضر، بر پایه فرضیاتی استوار است که در راستای اهداف تحقیق و براساس چارچوب نظری همنشینی افتراقی طراحی شده‌اند. فرض اصلی این است که روابط اجتماعی و همنشینی‌های موجود در گلستان سعدی نقشی کلیدی در شکل‌گیری و تقویت رفتارهای اجتماعی و انحرافی دارند. فرض دوم این است که حکایات گلستان سعدی با مؤلفه‌های نظریه همنشینی افتراقی همخوانی دارد و می‌توان از آن‌ها برای درک عمیق‌تر نقش محیط و روابط اجتماعی در کنترل یا پیشگیری از رفتارهای مجرمانه استفاده کرد. فرضیه سوم پژوهش بیان می‌کند که آموزه‌های سعدی می‌توانند به‌عنوان الگویی برای پیشگیری اجتماعی و کاهش بزهکاری به کار روند و از طریق ارائه راهکارهای تربیتی، اثربخشی

ادبیات فارسی، به‌ویژه آثار بزرگان آن، نه تنها زیبایی‌های زبانی و ادبی را به نمایش می‌گذارد، بلکه بستر مناسبی برای مطالعه و بررسی عمیق مسائل اجتماعی و اخلاقی فراهم می‌آورد (1). گلستان سعدی به‌عنوان یکی از گنجینه‌های ادبیات کلاسیک فارسی، با مجموعه‌ای از حکایات آموزنده، مسائل اجتماعی و تربیتی دوران خود را با زبانی دلنشین و مؤثر بیان می‌کند (2). یکی از پرسش‌های اساسی در مطالعه این اثر، تحلیل چگونگی تأثیر روابط اجتماعی و همنشینی‌های مطرح شده در داستان‌ها بر رفتار شخصیت‌ها است (3). نظریه همنشینی افتراقی ادوین ساترلند، که بر تأثیر مستقیم هم‌نشینان و روابط اجتماعی بر شکل‌گیری رفتارهای انحرافی تأکید دارد، چارچوبی مناسب برای تحلیل روابط در گلستان و ارتباط آن‌ها با رفتارهای اخلاقی و انحرافی شخصیت‌های این اثر به دست می‌دهد (4). مطالعه متون ادبی قدیمی از منظر جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی به‌ویژه در دورانی که بحث پیشگیری اجتماعی از جرم اهمیت بیشتری یافته، می‌تواند به دستاوردهای مهمی منجر شود (5). سعدی در گلستان خود، با بهره‌گیری از حکایات و تمثیل‌های اخلاقی، نگرشی جامع به تأثیرات محیط و ارتباطات انسانی بر رفتار افراد ارائه می‌دهد (6). بررسی این روابط و تأثیر آن‌ها بر رفتار شخصیت‌ها می‌تواند اطلاعات ارزشمندی برای پیشگیری اجتماعی از جرم و بهبود فرآیندهای تربیتی در جامعه به ارمغان آورد (7). این پژوهش قصد دارد تا با تحلیل گلستان سعدی از منظر جرم‌شناسی نشان دهد که چگونه آموزه‌های اخلاقی این اثر می‌تواند الهام‌بخش اقدامات پیشگیرانه برای کاهش رفتارهای انحرافی باشد (8). این پژوهش تلاش دارد به چندین سوال کلیدی درباره نقش روابط اجتماعی و همنشینی‌ها در شکل‌گیری رفتارهای شخصیت‌های گلستان پاسخ دهد. سوال اصلی این است که چگونه روابط اجتماعی و

در جامعه مدرن را افزایش دهند. این پژوهش بر پایه نظریه همنشینی افتراقی ادوین ساترلند بنا شده است (9). این نظریه بیان می‌کند که رفتارهای مجرمانه و انحرافی، همچون سایر رفتارهای انسانی، از طریق فرآیندهای اجتماعی و تعاملات میان فردی قابل یادگیری هستند (10). بر اساس این نظریه، افرادی که در محیطی با همنشینان و ارتباطات اجتماعی مجرمانه قرار دارند، احتمال بیشتری برای یادگیری و پذیرش رفتارهای انحرافی دارند (11). گلستان سعدی نیز با تصویر کردن تأثیر محیط و افراد نزدیک بر رفتارهای شخصیت‌ها، نمونه‌هایی از همنشینی‌های مثبت و منفی را در بستر داستان‌های اخلاقی خود به نمایش می‌گذارد. این چارچوب نظری به ما کمک می‌کند تا با نگاهی تازه به شخصیت‌های گلستان، به بررسی تأثیر روابط اجتماعی بر رفتار آن‌ها بپردازیم و درک کنیم که چگونه همنشینی و هم‌نشینی در این اثر سعدی، منجر به جهت‌دهی و تغییر رفتار افراد می‌شود. در واقع، با استفاده از این نظریه، می‌توان درک عمیق‌تری از جایگاه محیط و روابط اجتماعی در تربیت اخلاقی و جلوگیری از انحرافات در گلستان به‌دست آورد. نوآوری اصلی این پژوهش در این است که برای اولین بار گلستان سعدی از منظر جرم‌شناسی و نظریه همنشینی افتراقی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در حالی که بیشتر تحقیقات پیشین به تحلیل‌های ادبی و زبان‌شناسی آثار سعدی محدود شده‌اند، این مطالعه به دنبال آن است که با استفاده از اصول جرم‌شناسی، به تحلیل دقیق‌تری از روابط اجتماعی و تأثیر آن‌ها بر رفتارهای شخصیت‌های داستانی بپردازد. این پژوهش با ایجاد پیوندی نو میان ادبیات کلاسیک و جرم‌شناسی، به درک بهتری از نقش سعدی به‌عنوان یک اندیشمند اخلاقی کمک می‌کند و الگوهای جدیدی برای پیشگیری اجتماعی از جرم و کاهش رفتارهای انحرافی ارائه می‌دهد. از این رو، این نوآوری با نگاه به گلستان سعدی به‌عنوان منبعی برای شناخت و تحلیل رفتارهای اجتماعی، بستری تازه برای تحقیقات میان‌رشته‌ای در حوزه ادبیات

و جرم‌شناسی فراهم می‌آورد و زمینه‌ساز مطالعات بیشتری در این راستا خواهد بود.

پیشینه پژوهش

افشار و محسنی (۱۳۹۸) در مقاله خوانش جرم‌شناسانه آثار سعدی در حوزه کجروی کودک و نوجوان به تحلیل رفتارهای انحرافی در آثار سعدی، به ویژه در گلستان و بوستان، پرداخته‌اند. آن‌ها تأکید کردند که در این آثار، سعدی به‌طور ضمنی به مشکلات تربیتی و اجتماعی اشاره دارد که می‌تواند منجر به رفتارهای انحرافی در کودکان و نوجوانان شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که آموزه‌های سعدی در زمینه رفتارهای اجتماعی و تربیتی می‌تواند راهگشای پیشگیری از کجروی‌های نسل جوان در جامعه معاصر باشد (12). کلام‌زاده عشرت‌آباد و حسنی (۱۳۹۸) در تحقیقی واکاوی انعکاس نظریات جرم‌شناسی رشد‌مدار و انتقادی در گلستان و بوستان سعدی، به بررسی انعکاس نظریات جرم‌شناسی رشد‌مدار و انتقادی در آثار سعدی پرداخته‌اند. آنان نشان داده‌اند که اندیشه‌های جرم‌شناسی به‌صورت پراکنده در آثار سعدی، به‌ویژه در گلستان و بوستان، دیده می‌شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سعدی با ارائه حکایات و آموزه‌های اخلاقی، به‌طور غیرمستقیم به مسائلی چون پیشگیری از جرم و انحرافات اجتماعی اشاره کرده است (13). اکبری‌زاده (۱۳۹۷) در مقاله تحلیل فرازبانی گلستان سعدی به بررسی ساختارهای زبانی و معنایی در گلستان سعدی پرداخته است. این مطالعه، با تحلیل دقیق و تفصیلی زبان و ساختارهای بیانی سعدی، نشان داد که سعدی علاوه بر جلب توجه به مضامین اخلاقی و اجتماعی، از زبان به‌عنوان ابزاری برای آموزش و اصلاح رفتارهای اجتماعی استفاده کرده است. نتایج این پژوهش به ارتباط عمیق‌تر زبان و اخلاق در آثار سعدی اشاره دارد و می‌تواند به تحلیل رفتارهای شخصیت‌های گلستان از دیدگاه جرم‌شناسی کمک کند (14). رستمی و مولاییگی (۱۳۹۶) در مقاله خوانش جرم‌شناسانه آثار

سعدی (با تأکید بر گلستان و بوستان) به تحلیل آثار سعدی از منظر جرم‌شناسی پرداختند. آنان نشان دادند که در حکایات گلستان و بوستان، روابط اجتماعی و تأثیر محیط تربیتی بر رفتار شخصیت‌ها نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی یا انحرافی ایفا می‌کند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که سعدی با تأکید بر محیط اجتماعی مناسب و نقش آن در تربیت شخصیت‌ها، به‌طور غیرمستقیم آموزه‌هایی در زمینه پیشگیری از جرم و ارتقای رفتارهای اخلاقی ارائه می‌دهد (15). وحدانی‌فر (۱۳۹۶) در مقاله تحلیل حکایت‌های گلستان و بوستان بر اساس نظریه تودوروف به بررسی ساختارهای روایی در حکایات گلستان و بوستان پرداخته‌اند. آن‌ها نشان دادند که سعدی از طریق ساختارهای روایی و توجه به روابط اجتماعی در داستان‌های خود، به‌طور غیرمستقیم به مسائلی چون جرم و انحرافات اجتماعی اشاره می‌کند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که این آثار می‌توانند از منظر جرم‌شناسی و تحلیل اجتماعی مورد بررسی قرار گیرند (16). ایمانی (۱۳۸۲) در کتاب جرم‌شناسی در ادبیات: اندیشه‌های جرم‌شناسی در آثار سعدی و مولوی، به بررسی تأثیرات اندیشه‌های جرم‌شناسی در آثار دو شاعر بزرگ فارسی، سعدی و مولوی، پرداخت. وی با تحلیل داستان‌ها و حکایات این دو اثر، نشان داد که این نویسندگان از طریق توصیف روابط اجتماعی و تربیتی، پیام‌هایی در راستای پیشگیری از رفتارهای انحرافی به مخاطب ارائه می‌دهند. نتایج این مطالعه به اهمیت رابطه مستقیم میان محیط اجتماعی و رفتارهای انحرافی در آثار سعدی اشاره دارد و به‌ویژه بر لزوم توجه به آموزه‌های اخلاقی در جلوگیری از بزهکاری تأکید می‌کند (17).

روش تحقیق

این تحقیق از روش تحلیل محتوا برای تحلیل گلستان سعدی استفاده می‌کند. تحلیل محتوا یکی از روش‌های تحقیق کیفی است که به‌ویژه در مطالعات اجتماعی و ادبیات برای بررسی عمیق‌تر متون کاربرد دارد. در این پژوهش، هدف این است که با تحلیل

متن گلستان از منظر جرم‌شناسی، مفاهیم اجتماعی و جرم‌شناختی نهفته در حکایات سعدی شناسایی و مورد ارزیابی قرار گیرند. تحلیل محتوا به‌طور ویژه بر استخراج و بررسی مؤلفه‌های خاصی همچون روابط اجتماعی، تأثیر محیط و هم‌نشینی بر رفتار شخصیت‌ها و شواهدی از پیشگیری اجتماعی تمرکز خواهد داشت. به‌این‌ترتیب، پژوهشگران می‌توانند به‌واسطه این روش، اطلاعاتی مفید و دقیق در مورد پیوند میان متون ادبی و مفاهیم جرم‌شناختی به دست آورند.

منابع و داده‌ها

منابع اصلی این تحقیق به‌طور عمده شامل گلستان سعدی به‌عنوان متن ادبی مورد تحلیل و همچنین مقالات و کتب علمی در زمینه جرم‌شناسی، نظریه هم‌نشینی افتراقی و تحلیل‌های ادبی در زمینه تحلیل متون از منظر جرم‌شناسی است. برای گردآوری داده‌ها، ابتدا به شناسایی حکایات مرتبط با روابط اجتماعی و تأثیرات تربیتی در گلستان پرداخته خواهد شد. این حکایات به‌طور دقیق استخراج شده و برای تحلیل بیشتر در چارچوب نظریه هم‌نشینی افتراقی و سایر نظریه‌های اجتماعی جرم‌شناسی قرار می‌گیرند. داده‌ها از طریق مطالعه دقیق و گزینش‌شده از این حکایات و مقایسه با مفاهیم جرم‌شناسی جمع‌آوری خواهند شد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌ها، ابتدا حکایات گلستان بر اساس ویژگی‌های نظریه هم‌نشینی افتراقی ادوین ساترلند مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند (18). این فرآیند شامل شناسایی الگوهای رفتاری شخصیت‌ها و تأثیرات اجتماعی محیط آن‌ها بر این رفتارها است. سپس، مفاهیم جرم‌شناختی مانند یادگیری رفتار مجرمانه، تأثیر هم‌نشینی و محیط بر رفتارهای انحرافی، و پیشگیری اجتماعی از طریق این حکایات استخراج می‌شود. در این راستا، از تحلیل کیفی متن استفاده می‌شود تا بتوان ارتباطات میان روابط اجتماعی، تربیتی و مفاهیم جرم‌شناختی را با دقت بیشتری مورد بررسی قرار داد.

این روش تجزیه و تحلیل می‌تواند کمک کند تا نتایج دقیق‌تری از مفاهیم جرم‌شناسی در گلستان سعدی به دست آید و نحوه ارتباط این مفاهیم با رفتار شخصیت‌ها و جامعه‌ی آن دوران مورد ارزیابی قرار گیرد.

نقش محیط در ارتکاب جرم از منظر همنشینی افتراقی

محیط یکی از عوامل اساسی در شکل‌گیری و هدایت رفتارهای انسانی است. نظریه همنشینی افتراقی^۱ تأکید دارد که محیط اجتماعی و شرایط پیرامونی می‌توانند به‌عنوان بستر رفتارهای مثبت یا انحرافی عمل کنند (19). سعدی در گلستان با استفاده از حکایات، نقش محیط در شکل‌دهی رفتارها را به زیبایی به تصویر می‌کشد و تأکید می‌کند که اصلاح محیط و کنترل شرایط پیرامونی می‌تواند مانع از گسترش رفتارهای مجرمانه شود (20).

عوامل محیطی در گلستان سعدی

محیط‌های طبیعی می‌توانند شرایطی را ایجاد کنند که نظارت اجتماعی دشوار و انحرافات آسان‌تر شود (21). سعدی در یکی از حکایات خود، تأثیر محیط طبیعی را در رفتار دزدان و چگونگی مدیریت این شرایط توسط حاکمان به‌خوبی بیان می‌کند (22).

باب اول، حکایت ۴:

"طایفه‌ای از دزدان عرب بر سر کوهی نشسته بودند و منفذ کاروان بسته، و رعیت بلدان از مکاید ایشان مرعوب و لشکر سلطان مغلوب، به حکم آنکه ملاذی منبع از قله کوهی گرفته بودند و ملجأ و مأوای خود ساخته. مدبران ممالک در دفع ایشان مشاورت همی‌کردند که اگر این طایفه همچنان روزگاری مداومت نمایند، مقاومت ممتنع گردد.

^۱ نظریه همنشینی افتراقی، که توسط ادوین ساترلند معرفی شد، یکی از مهم‌ترین نظریات در جرم‌شناسی است. این نظریه تأکید دارد که افراد رفتارهای اجتماعی خود را از طریق ارتباطات و تعاملات با دیگران یاد می‌گیرند. یعنی کسانی که در محیط‌های مجرمانه و ناهنجار قرار دارند، بیشتر به سمت رفتارهای انحرافی گرایش پیدا می‌کنند. این نظریه بر این ایده استوار است که رفتارهای مجرمانه نه از ویژگی‌های ذاتی فرد، بلکه از تأثیرات اجتماعی و فرهنگی به‌ویژه از گروه‌های اجتماعی خاص حاصل می‌شود.

درختی که اکنون گرفته‌ست پای
به نیروی شخصی برآید ز جای
مردان دلاور از کمین به در جستند و دست یکان‌یکان بر کتف
بستند و بامدادان به درگاه ملک حاضر آوردند".

با بدان یار گشت همسر لوط
خانندان نبوتش گم شد
سگ اصحاب کُهف روزی چند
پی نیکان گرفت و مردم شد

این حکایت، تأثیر محیط طبیعی^۲ بر رفتار انسان‌ها را نشان می‌دهد. دزدان از محیط طبیعی و صعب‌العبور کوهستان به‌عنوان پناهگاهی امن برای فعالیت‌های انحرافی خود استفاده کرده بودند. سعدی در اینجا به اهمیت مدیریت و کنترل محیط‌های طبیعی اشاره می‌کند. او با بیان این حکایت هشدار می‌دهد که در صورت عدم مدیریت به‌موقع، این شرایط به عاملی برای گسترش جرایم تبدیل خواهد شد. پیام کلیدی این حکایت، لزوم اقدام سریع برای حذف بسترهای مساعد برای رفتارهای انحرافی است.

نقش خانواده در رفتار شخصیت‌ها

خانواده به‌عنوان نخستین محیط تربیتی افراد، نقشی اساسی در شکل‌دهی رفتارها و شخصیت انسان‌ها دارد (23). سعدی در گلستان به‌طور مکرر به تأثیرات مثبت و منفی خانواده بر رفتار شخصیت‌ها اشاره کرده و نشان داده است که یک خانواده سالم چگونه می‌تواند از بروز انحرافات جلوگیری کند (24).

باب هفتم، حکایت ۶:

^۲ "محیط طبیعی" در این حکایت به‌عنوان یک عامل کلیدی در شکل‌دهی رفتار شخصیت‌ها مطرح می‌شود. در متون جرم‌شناسی و روانشناسی، محیط طبیعی به‌عنوان عاملی برای تسهیل یا مهار رفتارهای انحرافی شناخته می‌شود، زیرا شرایط طبیعی می‌توانند در دسترس بودن یا عدم دسترسی به فرصت‌های جرم تأثیر بگذارند.

"پادشاهی پسری را به ادیبی داد و گفت: این فرزند توس، تربیتش همچنان کن که یکی از فرزندان خویش. ادیب خدمت کرد و متقبل شد و سالی چند بر او سعی کرد و به جایی نرسید و پسران ادیب در فضل و بلاغت منتهی شدند. ملک دانشمند را مؤاخذت کرد و معایت فرمود که وعده خلاف کردی و وفا به جا نیاوردی. گفت: بر رای خداوند روی زمین پوشیده نماند که تربیت یکسان است و طباع مختلف.

گرچه سیم و زر ز سنگ آید همی
در همه سنگی نباشد زر و سیم
بر همه عالم همی تابد سهیل
جایی انبان میکند جایی ادیم"

سعدی در این حکایت به نقش ذاتی و تربیتی خانواده در شکل‌دهی شخصیت فرزند اشاره دارد. او تأکید می‌کند که اگرچه تربیت^۱ صحیح می‌تواند تأثیر مثبتی بر رفتار انسان‌ها بگذارد، اما عوامل ذاتی نیز نقش مهمی دارند. پیام این حکایت این است که خانواده باید با شناخت ویژگی‌های فرزندان، روش‌های تربیتی مناسبی را اتخاذ کند تا از بروز رفتارهای ناپسند جلوگیری کند. از دیدگاه سعدی، خانواده باید محیطی سالم و اخلاقی فراهم کند که زمینه‌ساز رشد فضایل اخلاقی در فرزندان باشد.

تأثیر اجتماع و محیط پیرامونی در شکل‌دهی رفتارهای انحرافی
سعدی در گلستان نشان می‌دهد که محیط اجتماعی نقش مهمی در هدایت رفتارهای افراد دارد (25). او هشدار می‌دهد که در محیط‌های ناسالم، رفتارهای انحرافی به سرعت گسترش می‌یابند و تأثیر منفی بر اعضای جامعه می‌گذارند (26).

باب سوم، حکایت ۶:

"دو درویش خراسانی مُلازمِ صحبتِ یکدیگر سفر کردند. یکی ضعیف بود که هر به دو شب افطار کردی و دیگر قوی که روزی سه بار خوردی. اتفاقاً بر در شهری به تهمتِ جاسوسی گرفتار آمدند. هر دو را به خانه‌ای کردند و در به گل برآوردند. بعد از دو هفته معلوم شد که بی‌گناهند. در را گشادند. قوی را دیدند مرده و ضعیف جان به سلامت بُرده. مردم در این عجب ماندند. حکیمی گفت: خلافِ این عجب بودی، آن یکی بسیارخوار بوده است، طاقتِ بی‌نواپی نیاورد، به سختی هلاک شد. وین دگر خویشتن‌دار بوده است، لاجرم بر عادتِ خویش صبر کرد و به سلامت بماند.

چو کم خوردن طبیعت شد کسی را
چو سختی پیشش آید، سهل گیرد
وگر تن‌پرور است اندر فراخی
چو تنگی بیند، از سختی بمیرد"

این حکایت نشان‌دهنده تأثیر محیط اجتماعی^۲ و شرایط بیرونی بر افراد است. در این داستان، رفتار دو درویش در محیطی مشابه، نتایج متفاوتی به بار آورده است. سعدی با این حکایت به اهمیت مدیریت محیط اجتماعی و تأثیر آن بر شکل‌گیری رفتارهای افراد اشاره می‌کند. پیام این حکایت، نقش کلیدی اجتماع در هدایت رفتارها و لزوم فراهم کردن محیطی سالم و ایمن برای رشد افراد است.

تأثیر هم‌نشینی و تأثیرات تربیتی

در نظریه هم‌نشینی افتراقی، تأثیر هم‌نشینان به‌عنوان یکی از مؤثرترین عوامل در شکل‌دهی رفتار افراد معرفی می‌شود. سعدی در گلستان، با ارائه حکایات متنوع، این تأثیرات را به زیبایی به تصویر می‌کشد. او نشان می‌دهد که هم‌نشینی با افراد صالح،

^۱ تربیت "در این حکایت نشان‌دهنده نقش بنیادین خانواده در شکل‌دهی شخصیت و رفتار افراد است. تربیت به فرآیند اجتماعی‌سازی اشاره دارد که در آن فرد از طریق تعامل با اعضای خانواده، آموزه‌های اخلاقی و رفتاری را فرا می‌گیرد.

^۲ نظریه هم‌نشینی افتراقی بیان می‌کند که فرد از طریق ارتباطات و تعاملات اجتماعی رفتارهای خاصی را یاد می‌گیرد، که می‌تواند شامل رفتارهای انحرافی باشد.

شخصیت انسان را در مسیر رشد و تعالی قرار می‌دهد، در حالی که همراهی با افراد فاسد می‌تواند موجب انحراف و سقوط اخلاقی شود. همچنین، تربیت و تأثیرات اجتماعی در شکل‌دهی رفتارهای انسان نقش مهمی دارند و این مفاهیم در آثار سعدی به‌خوبی بازتاب یافته‌اند (27).

تأثیر هم‌نشینی با افراد صالح بر رفتار شخصیت‌ها

هم‌نشینی با افراد صالح نه تنها به تقویت ارزش‌های اخلاقی کمک می‌کند، بلکه الگوهای عینی از رفتارهای پسندیده ارائه می‌دهد که می‌تواند منش و کردار افراد را تحت تأثیر قرار دهد (28). سعدی در یکی از حکایات خود، تأثیر مثبت هم‌نشینی با انسان‌های نیکوکار و بزرگوار را به زیبایی بیان می‌کند:

باب دوم، حکایت ۴:

"دزدی به خانه پارسایی^۱ در آمد؛ چندان که جست چیزی نیافت. دلتنگ شد. پارسا خبر شد. گلیمی که بر آن خفته بود در راه دزد انداخت تا محروم نشود. شنیدم که مردانِ راهِ خدای دلِ دشمنان را نکردند تنگ"

این حکایت نشان‌دهنده آن است که رفتارهای اخلاقی و بزرگواری‌های انسانی می‌توانند تأثیرات عمیقی حتی بر کسانی داشته باشند که در مسیر انحراف قرار گرفته‌اند. پارسا با بخشیدن گلیم خود به دزد، نه تنها او را از احساس محرومیت نجات داد، بلکه با عمل خود، پیام بخشندگی و بزرگواری را به او منتقل کرد. این حکایت نمادی از تأثیر نیک‌منشی در اصلاح افراد است. سعدی در اینجا نشان می‌دهد که رفتارهای صالحانه و اخلاقی می‌توانند دیگران را به تفکر وادارند و مسیر زندگی آن‌ها را تغییر دهند.

تأثیر هم‌نشینی با افراد فاسد و نتیجه آن بر رفتار شخصیت‌ها

^۱ "پارسا" در این حکایت به فردی اطلاق می‌شود که به اصول اخلاقی پایبند است و در جهت خیر و اصلاح دیگران گام برمی‌دارد. در ادبیات فارسی، واژه "پارسا" به‌عنوان نماد فردی با ویژگی‌های اخلاقی برجسته و تأثیرگذار شناخته می‌شود.

همراهی با افراد فاسد و ناصالح، به‌طور اجتناب‌ناپذیری به گسترش رفتارهای انحرافی منجر می‌شود. این افراد نه تنها مانع از رشد اخلاقی می‌شوند، بلکه الگوهای نادرستی را به دیگران منتقل می‌کنند (29). سعدی در یکی از حکایات، تأثیر مخرب چنین روابطی را به تصویر می‌کشد:

باب هفتم، حکایت ۱:

"یکی را از وزرا پسری کودن^۲ بود. پیش یکی از دانشمندان فرستاد که مر این را تربیتی می‌کن مگر که عاقل شود. روزگاری تعلیم کردش و مؤثر نبود. پیش پدرش کس فرستاد که این عاقل نمی‌باشد و مرا دیوانه کرد.

چون بود اصل گوهری قابل

تربیت را در او اثر باشد"

این حکایت بیانگر این است که همراهی و تلاش برای اصلاح افرادی که طبیعتاً مستعد پذیرش تربیت نیستند، می‌تواند تأثیرات منفی به همراه داشته باشد. دانشمند در این حکایت، به‌جای موفقیت در تربیت پسر کودن، خود از این تعامل آسیب دید. سعدی در اینجا نشان می‌دهد که هم‌نشینی با افراد فاسد و ناتوان در اصلاح، نه تنها بی‌فایده است، بلکه می‌تواند مضر نیز باشد. او به ما هشدار می‌دهد که برای حفظ ارزش‌های اخلاقی و شخصیتی خود، باید از چنین روابطی دوری کنیم.

ارتباط میان تربیت و رفتارهای اجتماعی در گلستان

تربیت، از دیدگاه سعدی، یکی از مهم‌ترین عوامل در شکل‌دهی رفتارهای اجتماعی و اخلاقی است. او معتقد است که آموزش صحیح و اصولی می‌تواند به ایجاد شخصیت‌هایی قدرتمند و مستقل منجر شود (30). در یکی از حکایات گلستان، سعدی به اهمیت تربیت و هنر در زندگی انسان پرداخته است:

^۲ در این حکایت، واژه "کودن" به‌عنوان صفتی برای فردی که فاقد توانایی‌های ذهنی یا اخلاقی برای درک و پذیرش تربیت صحیح است، به کار می‌رود. این واژه در فرهنگ ادبیات فارسی گاهی به افرادی اطلاق می‌شود که به‌طور ذاتی از رشد و پیشرفت باز می‌مانند.

باب هفتم، حکایت ۲:

"حکیمی پسران را پند همی داد که جانان پدر هنر^۱ آموزید که ملک و دولت دنیا اعتماد را نشاید و سیم و زر در سفر بر محل خطر است یا دزد به یکبار ببرد یا خواجه به تفاریق بخورد. اما هنر چشمه زاینده است و دولت پاینده و گر هنرمند از دولت بیفتد غم نباشد که هنر در نفس خود دولت است، هر جا که رود قدر ببند و در صدر نشیند و بی هنر لقمه چپند و سختی ببند."

این حکایت بر اهمیت یادگیری و تربیت صحیح تأکید دارد. حکیم در این حکایت، ارزش هنر و دانش را به عنوان سرمایه‌ای پایدار و ماندگار معرفی می‌کند که می‌تواند در هر شرایطی، راهگشای انسان باشد. سعدی با این داستان به ما می‌آموزد که تربیت و آموزش، نقشی بنیادین در شکل‌دهی رفتارهای اجتماعی دارند و افرادی که از تربیت صحیح بهره‌مند شوند، قادر به ایستادگی در برابر چالش‌های زندگی خواهند بود.

پیشگیری اجتماعی از جرم^۲ در آثار سعدی

سعدی در گلستان، با نگاهی ژرف به مفاهیم اجتماعی و اخلاقی، راهکارهایی برای پیشگیری از جرایم ارائه می‌دهد که همچنان در جوامع امروزی نیز قابل اجرا هستند. او بر اهمیت اصلاح ساختارهای اجتماعی، تقویت آموزش، و ایجاد محیطی عادلانه تأکید دارد. در حکایات گلستان، سعدی از منظر حکمت و تجربه به ارائه شیوه‌های رشد مدار و جامعه‌مدار برای پیشگیری از وقوع جرم می‌پردازد. این حکایات نمونه‌هایی ارزشمند از درک عمیق سعدی نسبت به رفتارهای انسانی و عوامل تأثیرگذار بر آنها هستند.

شیوه‌های پیشگیری اجتماعی در گلستان سعدی

^۱ واژه "هنر" در این حکایت به عنوان یک سرمایه انسانی و فرهنگی مطرح است که نه تنها به عنوان ابزاری برای معیشت بلکه به عنوان دارایی پایدار در نظر گرفته می‌شود. در ادبیات فارسی، هنر همواره به عنوان یکی از نشانه‌های شکوفایی شخصیت فردی و اجتماعی شناخته شده است.

پیشگیری اجتماعی از جرم شامل اقداماتی است که از بروز رفتارهای مجرمانه پیش از وقوع جلوگیری می‌کند. سعدی در گلستان بر این نکته تأکید دارد که رفتارهای عادلانه، شفقت و تدبیر حکیمانه می‌تواند تأثیرات عمیقی بر پیشگیری از جرم داشته باشد. او با روایت حکایاتی از پادشاهان و وزرا، نشان می‌دهد که چگونه اقدامات سنجیده و اخلاق‌مدارانه می‌توانند به کاهش خشونت و انحرافات اجتماعی منجر شوند (31).

باب اول، حکایت ۱:

"پادشاهی را شنیدم به کشتن اسیری اشارت کرد. بی‌چاره در آن حالتِ نومیدی ملک را دشنام دادن گرفت و سَقَط گفتن، که گفته‌اند: هر که دست از جان بشوید، هر چه در دل دارد بگوید.

وقت ضرورت چو نماند گریز

دست بگیرد سرِ شمشیرِ تیز^۳

إِذَا يَسَّ الْإِنْسَانُ طَالَ لِسَانُهُ

كَسَنُورٍ مَغْلُوبٍ يَصُولُ عَلَى الْكَلْبِ

ملک پرسید: «چه می‌گوید؟» یکی از وزرای نیک‌محضر گفت: «ای خداوند! همی گوید: وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ. ملک را رحمت آمد و از سرِ خون او درگذشت..."

این حکایت نشان می‌دهد که پیشگیری از جرم، نیازمند اعمال عدالت و گذشت است. وزیر، با بهره‌گیری از حکمت و تدبیر، پادشاه را به مسیر بخشش هدایت کرد و از کشتن اسیر جلوگیری نمود. این عمل نه تنها از یک بی‌عدالتی جلوگیری کرد، بلکه پیامی انسانی و اخلاقی به دیگران منتقل نمود. سعدی در این حکایت به ما می‌آموزد که رحمت و عفو، مؤثرترین ابزارها در جلوگیری از

^۳ این بیت به شرایط بحرانی و اضطراری اشاره دارد که در آن انسان‌ها معمولاً تحت فشار، رفتارهای افراطی از خود بروز می‌دهند. سعدی در اینجا از شرایطی سخن می‌گوید که در آن انسان‌ها به جای تفکر، به عمل واکنشی می‌پردازند، و به همین دلیل اهمیت رفتارهای حکیمانه و صبر در مواجهه با بحران‌ها برجسته می‌شود.

خشونت و جرم هستند و رفتارهای حکیمانه رهبران می‌تواند تأثیر بسزایی در کاهش تنش‌ها داشته باشد.

پیشگیری اجتماعی رشدمدار و جامعه‌مدار در آثار سعدی

پیشگیری اجتماعی رشدمدار، بر آموزش و تربیت کودکان و جوانان تمرکز دارد و هدف آن، ایجاد جامعه‌ای آگاه و اخلاق‌مدار است. در مقابل، پیشگیری جامعه‌مدار به اصلاح ساختارها و محیط اجتماعی توجه دارد تا رفتارهای انحرافی کاهش یابد (32). سعدی در حکایات خود به هر دو نوع این پیشگیری‌ها اشاره کرده و نمونه‌هایی از اهمیت آن‌ها را ارائه می‌دهد.

باب هفتم، حکایت ۴:

"معلم گنجابی دیدم در دیار مغرب ترشروی تلخ گفتار بدخوی مردم آزار گدا طبع ناپرهیزگار که عیش مسلمانان به دیدن او تبه گشتی و خواندن قرآنش دل مردم سیه کردی.... کودکان را هیبت استاد نخستین از سر برفت و معلم دومین را اخلاق ملکی دیدند و یک یک دیو شدند. به اعتماد حلم او ترک علم دادند. اغلب اوقات به بازیچه فرا هم نشستندی و لوح درست ناکرده در سر هم شکستندی..... بعد از دو هفته بر آن مسجد گذر کردم، معلم اولین را دیدم که دل خوش کرده بودند و به جای خویش آورده. انصاف برنجیدم و لاحول گفتم که ابلیس را معلم ملائکه دیگر چرا کردند. پیرمردی ظریف جهاندیده گفت:

پادشاهی پسر به مکتب داد

لوح سیمینش بر کنار نهاد^۱

بر سر لوح او نبشته به زر

جور استاد به ز مهر پدر"

این حکایت نشان‌دهنده اهمیت تعادل در تربیت است. سعدی در این داستان، بر این نکته تأکید می‌کند که تربیت صحیح، نیازمند

هم‌زمان سخت‌گیری و ملایمت است. معلم اول، با سخت‌گیری بیش‌ازحد، کودکان را از آموزش گریزان کرد و معلم دوم، با سهل‌گیری افراطی، نظم را برهم زد. سعدی به ما می‌آموزد که پیشگیری رشدمدار باید با رویکردی متعادل انجام شود و اصلاح ساختارهای تربیتی و انتخاب معلمان شایسته، نقش مهمی در کاهش انحرافات اجتماعی دارد.

کاربردهای عملی این شیوه‌ها در جامعه سعدی

سعدی در حکایات خود، با ارائه الگوهایی عملی، نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از آموزه‌های اخلاقی برای کاهش جرایم استفاده کرد. او بر اهمیت انتخاب درست دوستان، مراقبت از روابط اجتماعی، و ایجاد محیطی امن برای همه افراد تأکید دارد. سعدی معتقد است که اصلاح جامعه باید از طریق نظارت دقیق و تدابیر پیشگیرانه انجام شود (33).

باب دوم، حکایت ۵:

"تنی چند از روندگان متفق سیاحت بودند و شریک رنج و راحت... در این روزها دزدی به صورت درویشان برآمده^۲، خود را در سلک صحبت ما منتظم کرد. روزی تا به شب رفته بودیم و شبانگه به پای حصار خفته که دزد بی‌توفیق ابریقی رفیق برداشت که به طهارت می‌رود و به غارت می‌رفت. بامدادان همه را به قلعه درآوردند و بزدند و به زندان کردند. از آن تاریخ، ترک صحبت گرفتیم و طریق عزلت گرفتیم."

این حکایت به ما می‌آموزد که انتخاب دوستان و هم‌نشینان، تأثیر زیادی بر رفتار انسان دارد. گروهی از سیاحان، به دلیل اعتماد بی‌جا به دزدی که به جمع آن‌ها پیوسته بود، دچار مشکل شدند. سعدی با این داستان به اهمیت نظارت اجتماعی و تشخیص زود هنگام

^۲ این جمله از حکایت به مسأله اعتماد و تأثیر آن در روابط اجتماعی اشاره دارد. گروهی از سیاحان به دلیل اعتماد بی‌جا به فردی که خود را درویش معرفی کرده بود، دچار مشکل شدند. سعدی در این حکایت به اهمیت تشخیص دقیق افراد و روابط سالم برای پیشگیری از مشکلات اجتماعی و جرم‌ها اشاره می‌کند.

^۱ این بیت به اهمیت آموزش و تربیت از دیدگاه سعدی اشاره دارد. او معتقد است که سرمایه‌گذاری در آموزش، مانند هدیه‌ای ارزشمند، باید از همان ابتدا در زندگی فرد ایجاد شود. این آموزش باید به شکلی دقیق و با توجه به نیازهای فردی و اجتماعی انجام شود تا تأثیرات مثبت بر شخصیت افراد بگذارد.

خطرات اشاره می‌کند. او تأکید دارد که با تدابیر پیشگیرانه و اصلاح روابط اجتماعی، می‌توان از وقوع بسیاری از جرایم جلوگیری کرد.

نقد و تحلیل دیدگاه سعدی از بزهکاری ذاتی و اکتسابی

سعدی در گلستان با بهره‌گیری از حکایات اخلاقی، دیدگاه‌هایی عمیق در خصوص منشأ بزهکاری ارائه می‌دهد. او تأکید می‌کند که رفتارهای انسانی می‌توانند تحت تأثیر عوامل ذاتی یا شرایط محیطی و اجتماعی شکل بگیرند. برخی حکایات او نشان‌دهنده این است که طبیعت ذاتی فرد نقش برجسته‌ای در بروز بزهکاری دارد، در حالی که در برخی دیگر، تأثیر محیط و تربیت به‌عنوان عامل تعیین‌کننده معرفی می‌شود. این ترکیب دیدگاه‌ها، زمینه‌ای مناسب برای تحلیل تطبیقی بین آموزه‌های سعدی و نظریات مدرن جرم‌شناسی فراهم می‌آورد (34).

دیدگاه سعدی در مورد بزهکاری ذاتی و اکتسابی

سعدی در گلستان، به بررسی عوامل مختلفی که منجر به بزهکاری می‌شوند، می‌پردازد و تأکید دارد که این رفتارها می‌توانند نتیجه ترکیبی از ویژگی‌های ذاتی و تأثیرات محیطی باشند. او معتقد است که برخی افراد به دلیل طبیعت ذاتی خود مستعد بروز رفتارهای ناپسند هستند، اما در عین حال، شرایط محیطی و تربیتی می‌توانند این گرایش‌ها را تقویت یا مهار کنند (34).

باب هشتم، حکایت ۵:

"عالم ناپرهیزگار کور مشعله‌دار است. بی‌فایده هر که عمر در باخت، چیزی نخريد و زر بینداخت".

این حکایت به وضوح نشان‌دهنده دیدگاه سعدی نسبت به بزهکاری ذاتی است. سعدی معتقد است که فردی که از اخلاق و

پرهیزکاری غافل باشد، مانند یک عالم ناپرهیزگار، بدون دید و درک کافی به رفتارهای ناپسند می‌پردازد. او این افراد را "کور مشعله‌دار" می‌نامد، به این معنا که این افراد به‌طور ناخودآگاه و بدون آگاهی کامل، به رفتارهای ناپسند روی می‌آورند. سعدی با این بیان، تأکید می‌کند که بزهکاری می‌تواند نتیجه‌ی فقدان اخلاقیات و نداشتن آگاهی و درک صحیح از اخلاق باشد. این دیدگاه نشان‌دهنده این است که علاوه بر عوامل ذاتی، نداشتن تربیت و آموزش مناسب نیز می‌تواند به بروز بزهکاری منجر شود.

تحلیل مقایسه‌ای دیدگاه سعدی با نظریات مدرن جرم‌شناسی

نظریات مدرن جرم‌شناسی، مانند نظریه همنشینی افتراقی، بزهکاری را نتیجه تعامل بین عوامل زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی می‌دانند. سعدی نیز در گلستان، دیدگاه‌های مشابهی را با تأکید بیشتر بر جنبه‌های اخلاقی و تربیتی ارائه می‌دهد (13، 35).

باب هشتم، حکایت ۷:

"سه چیز پایدار نماند: مال بی تجارت و علم بی بحث و ملک بی سیاست"².

این حکایت به ما می‌آموزد که عوامل مختلفی در بروز و پیشگیری از بزهکاری نقش دارند. سعدی سه عامل مهم را معرفی می‌کند که هر یک به‌تنهایی یا در ترکیب با هم می‌توانند به بروز بزهکاری کمک کنند یا از آن جلوگیری نمایند. او می‌گوید که مال بدون تجارت پایدار نیست، علم بدون بحث و تحلیل بی‌اثر می‌ماند و ملک بدون سیاست ناکارآمد است. این دیدگاه با نظریات مدرن جرم‌شناسی که بر اهمیت تعامل بین عوامل مختلف در بروز جرم تأکید دارند، هم‌خوانی دارد. سعدی با این حکایت نشان می‌دهد

² این جمله به فلسفه‌ای اشاره دارد که بر اهمیت تعامل و تعادل میان سه عامل کلیدی در زندگی تأکید می‌کند. در این حکایت، سعدی تأکید می‌کند که هیچ‌کدام از این سه عنصر بدون نظارت و مدیریت صحیح نمی‌تواند پایدار باشد. این دیدگاه با نظریات مدرن جرم‌شناسی که بر اهمیت ترکیب عوامل مختلف (اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی) در بروز یا پیشگیری از جرم تأکید دارند، هم‌خوانی دارد.

این بیت از سعدی به‌طور نمادین به افرادی اشاره دارد که فاقد آگاهی و راهنمایی صحیح هستند. «کور مشعله‌دار» به معنای کسی است که بدون بینش و هدایت درست به رفتارهای نادرست دست می‌زند. در این حکایت، سعدی بزهکاری را به فقدان اخلاق و بصیرت نسبت می‌دهد و به‌نوعی آن را یک انتخاب ناآگاهانه می‌داند.

که برای پیشگیری از بزهکاری، نیاز به تعادل و مدیریت صحیح در تمامی ابعاد اجتماعی و اقتصادی است.

ارزیابی تطبیقی از جنبه‌های مثبت و منفی دیدگاه‌های سعدی و نظریات مدرن جرم‌شناسی

در این بخش، به ارزیابی تطبیقی دیدگاه‌های سعدی در خصوص بزهکاری و نظریات مدرن جرم‌شناسی پرداخته می‌شود. سعدی در گلستان به تأثیرات محیط اجتماعی و روابط انسانی بر رفتار شخصیت‌ها توجه ویژه‌ای دارد. او تأکید می‌کند که رفتارهای انحرافی و اجتماعی انسان‌ها می‌تواند نتیجه‌ای از تعاملات اجتماعی، تربیت و ویژگی‌های فردی باشد. نظریات مدرن جرم‌شناسی، مانند نظریه همنشینی افتراقی ادوین ساترلند، نیز بر این نکته تأکید دارند که بزهکاری از طریق روابط و تعاملات اجتماعی یاد گرفته می‌شود. به این معنا که افرادی که در محیط‌های آلوده و پر از رفتارهای انحرافی قرار می‌گیرند، بیشتر احتمال دارد که خود نیز این رفتارها را یاد بگیرند. از دیدگاه سعدی، عوامل مختلفی از جمله محیط خانوادگی، اجتماعی و حتی شخصیت فرد در شکل‌گیری رفتارهای اخلاقی یا انحرافی تأثیرگذار است. او در گلستان با بیان حکایات مختلف، به این نکته اشاره دارد که تربیت صحیح، آموزش اخلاقی و تعاملات اجتماعی مثبت می‌تواند فرد را از بزهکاری و رفتارهای ناپسند دور نگه دارد. در مقابل، محیط‌های فاسد و روابط نادرست می‌تواند منجر به بروز رفتارهای انحرافی شود. نظریات مدرن جرم‌شناسی، به‌ویژه نظریه همنشینی افتراقی، به شکل دقیق‌تر و علمی‌تر به بررسی این فرآیند می‌پردازد و تأکید دارد که رفتارهای انحرافی از طریق فرآیندهای یادگیری اجتماعی و از طریق ارتباط با افرادی که به این رفتارها مشغول هستند، شکل می‌گیرند. این نظریه می‌گوید که فرد در معرض تأثیرات منفی محیط‌های اجتماعی قرار می‌گیرد و از طریق آن تعاملات یاد می‌گیرد که چگونه رفتارهای انحرافی را انجام دهد. جنبه‌های مثبت دیدگاه سعدی در این است که او تأکید دارد که

اصلاح رفتار انسان‌ها به‌ویژه از طریق تربیت و آگاهی بخشی ممکن است و این آموزه‌ها هنوز هم در جوامع امروزی می‌توانند مفید واقع شوند. اما جنبه منفی آن، که شاید با نظریات مدرن کمتر هم‌خوانی داشته باشد، به‌ویژه در شرایطی که نظریه‌های مدرن به تأثیرات پیچیده‌تر عوامل مختلف (زیستی، روان‌شناختی، و اجتماعی) بر بزهکاری تأکید دارند، در نظر گرفتن فقط جنبه‌های تربیتی و محیطی ممکن است کافی نباشد. در نهایت، هر دو دیدگاه، چه دیدگاه سعدی و چه نظریات مدرن جرم‌شناسی، بر تأثیر روابط اجتماعی در شکل‌گیری رفتارهای انسان‌ها تأکید دارند، اما نظریات مدرن در تبیین این روابط به ابعاد گسترده‌تری می‌پردازند و عوامل دیگری مانند ویژگی‌های روان‌شناختی و زیستی را نیز در نظر می‌گیرند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، گلستان سعدی به‌عنوان یکی از گنجینه‌های مهم ادبیات فارسی از منظر جرم‌شناسی و نظریه همنشینی افتراقی مورد تحلیل قرار گرفت. هدف اصلی این تحقیق بررسی تأثیر روابط اجتماعی و همنشینی‌های شخصیت‌های داستانی بر رفتارهای آن‌ها با استفاده از چارچوب نظریه همنشینی افتراقی ادوین ساترلند بود. این نظریه بر تأثیر روابط اجتماعی و هم‌نشینی بر شکل‌گیری رفتارهای انحرافی تأکید دارد. روش تحقیق به‌صورت تحلیل محتوا بود که در آن حکایات گلستان به‌دقت مورد بررسی قرار گرفت تا تأثیر محیط اجتماعی و روابط انسانی بر شخصیت‌ها و رفتارهای آن‌ها تحلیل شود. پژوهش تلاش داشت تا از طریق این تحلیل، الگوهایی برای پیشگیری اجتماعی از جرم ارائه دهد که می‌تواند در کاهش رفتارهای انحرافی در جامعه امروزی مؤثر باشد. نتایج این پژوهش نشان داد که روابط اجتماعی و همنشینی‌های شخصیت‌ها در گلستان سعدی نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای اخلاقی یا انحرافی آن‌ها دارند. بر اساس تحلیل‌های صورت‌گرفته، مشاهده شد که در بسیاری از حکایات، محیط‌های

اجتماعی سالم و افراد نیکوکار باعث شکل‌گیری شخصیت‌های مثبت و اجتماعی می‌شوند، در حالی که محیط‌های فاسد و همراهی با افراد منفی موجب بروز رفتارهای انحرافی می‌شود. همچنین، پژوهش تأکید کرد که آموزه‌های اخلاقی سعدی می‌تواند به عنوان ابزاری برای پیشگیری از جرم و انحرافات اجتماعی در جامعه کنونی به کار گرفته شود. از طرف دیگر، سعدی به عنوان یک نویسنده و اندیشمند اخلاقی، نقشی مهم در تحلیل رفتارهای اجتماعی و جرم‌شناسی از دیدگاه ادبی ایفا می‌کند و می‌تواند به عنوان یک الگوی پیشگیرانه در مباحث اجتماعی و جرم‌شناسی مدرن به کار آید. این تحلیل‌ها نه تنها به درک عمیق‌تری از شخصیت‌های سعدی کمک می‌کند بلکه می‌تواند کاربردهای عملی در جهت کاهش رفتارهای انحرافی و ارتقای روابط اجتماعی سالم در جامعه امروز داشته باشد.

فرضیه اول: روابط اجتماعی مثبت در گلستان سعدی موجب تقویت رفتارهای اخلاقی شخصیت‌ها می‌شود.

نتایج این تحقیق تایید کرد که محیط‌های اجتماعی سالم و هم‌نشینی‌های مثبت در گلستان سعدی، به طور مؤثر شخصیت‌ها را به سمت رفتارهای اخلاقی هدایت می‌کند. در گلستان سعدی، شخصیت‌هایی که در محیط‌های اخلاقی و اجتماعی مثبت قرار دارند، به طور مشهود به رفتارهای نیکوگرایانه سوق داده می‌شوند.

فرضیه دوم: هم‌نشینی با افراد مجرم موجب بروز رفتارهای انحرافی در شخصیت‌ها خواهد شد.

نتایج پژوهش همچنین تایید کرد که هم‌نشینی با شخصیت‌های منفی و مجرم در گلستان سعدی باعث بروز رفتارهای انحرافی و اجتماعی ناپسند در شخصیت‌ها می‌شود. این تایید با یافته‌های افشار و محسنی (۱۳۹۸) همخوانی دارد که اشاره کردند تأثیر هم‌نشینی‌های منفی و رفتارهای مجرمانه در محیط‌های اجتماعی، منجر به پذیرش و یادگیری رفتارهای انحرافی در شخصیت‌ها می‌شود (12). در گلستان سعدی، محیط‌های فاسد و روابط

اجتماعی منفی شخصیت‌ها را به سمت رفتارهای مجرمانه سوق می‌دهد.

فرضیه سوم: آموزه‌های اخلاقی سعدی می‌تواند به عنوان الگویی برای پیشگیری از جرم در جامعه امروز مورد استفاده قرار گیرند.

فرضیه سوم نیز تایید شد و نشان داد که آموزه‌های اخلاقی و تربیتی سعدی می‌تواند به عنوان الگویی کاربردی برای پیشگیری از جرم و انحرافات اجتماعی در جامعه کنونی استفاده شود. این نتایج با تحلیل‌های کلام‌زاده عشرت‌آباد و حسینی (۱۳۹۸) همسو است که بر اهمیت آموزه‌های اخلاقی در پیشگیری از جرم تأکید کرده‌اند (13). سعدی در گلستان خود به وضوح به روش‌های تربیتی و اصلاح رفتاری اشاره می‌کند که می‌تواند در تقویت روابط اجتماعی و کاهش رفتارهای انحرافی در جامعه امروزی کاربرد داشته باشد. در نهایت بر اساس نتایج به دست آمده پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد.

- بررسی تأثیر متون دیگر سعدی، مانند بوستان، بر رفتارهای اجتماعی و انحرافی شخصیت‌ها.
 - تحلیل کاربرد نظریه هم‌نشینی افتراقی در سایر متون ادبی کلاسیک فارسی.
 - مطالعه تطبیقی تأثیرات روابط اجتماعی در آثار سعدی و سایر نویسندگان برجسته ایرانی.
 - بررسی تأثیر هم‌نشینی‌های منفی بر رفتارهای انحرافی در متون ادبی دیگر از منظر جرم‌شناسی.
 - تحلیل تحولات اجتماعی و تربیتی در آثار سعدی و مقایسه آن با نظریات جرم‌شناسی مدرن.
- همچنین لازم به ذکر است که محدودیت‌های پژوهش حاضر عبارت بود از:
- محدودیت در دسترسی به منابع اولیه و مقالات علمی معتبر برای تحلیل متون.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

• پیچیدگی در تطبیق نظریه همنشینی افتراقی با ساختار و

محتوای حکایات سعدی.

کمبود پژوهش‌های مشابه در حوزه ادبیات کلاسیک فارسی و

جرم‌شناسی برای مقایسه نتایج.

EXTENDED ABSTRACT

The present study provides a criminological reading of *Gulistan* by Saadi through the lens of Edwin Sutherland's Differential Association Theory. This theory emphasizes that deviant behavior is not innate but learned through interactions with intimate peer groups and environments. Within this framework, the *Gulistan* becomes not only a treasury of literary wisdom but also a source for exploring how human behavior is shaped by the social relationships one cultivates. Saadi's anecdotes often highlight the moral trajectories of characters exposed to positive or corrupt environments, presenting them as products of the companions they associate with. As such, this research probes how the characters' ethical or deviant paths in *Gulistan* exemplify the principles articulated by Sutherland, namely that criminal behavior arises from learned interactions in socially permissive settings (4, 10). This hypothesis is supported by other scholars who suggest that literary texts like *Gulistan* can provide crucial insights for social crime prevention (1, 5). The significance of the study lies in its interdisciplinary nature, drawing together literature, criminology, and social psychology to shed light on the mechanisms of deviance

formation and moral development. Saadi's subtle storytelling is revealed as a pre-modern contribution to the dialogue on the sociogenesis of criminality, especially where he emphasizes the role of environment, companionship, and behavioral modeling in shaping individual conduct (3, 6).

Methodologically, this study employs qualitative content analysis, selecting relevant anecdotes from *Gulistan* that explicitly or implicitly portray the formation of moral or deviant behaviors through social relationships. The use of content analysis allows the researchers to extrapolate latent criminological themes and align them with the constructs of differential association, such as frequency, duration, intensity, and priority of interactions (18). The researchers focused on narratives that depict significant influence from either virtuous or corrupt associations, evaluating the behavioral outcomes of these relationships in the characters' trajectories. These stories were then mapped onto the framework of differential association theory to analyze how Saadi's literary constructs reinforce or challenge the core tenets of Sutherland's criminological model. The findings were organized around key socializing agents, such as the family, peer groups, and

the broader societal environment. For example, the role of the family is depicted as a foundational agent in moral education (23, 24), while interactions with corrupt or virtuous companions illustrate the reinforcing effects of ongoing exposure to behavioral models. Textual examples from *Gulistan* were systematically analyzed to show how moral or deviant behaviors are not random but emerge from structured social learning.

Findings from this study suggest that positive social environments consistently correlate with moral character development in Saadi's narratives, whereas corrupt settings foster deviance. In one tale, a thief who fails to find anything to steal in a pious man's home is gifted a blanket by the host, revealing the transformative potential of compassion and moral association (28). In contrast, another story shows how associating with a deceitful traveler leads a group into collective punishment, reinforcing the hazards of misguided affiliations (33). The study also uncovered examples where inherited traits or natural predispositions interact with social influence. In one anecdote, despite equal pedagogical effort, a teacher fails to reform a dull student, highlighting Saadi's belief in the interplay between nature and nurture (30). Additionally, the research identified preventive strategies rooted in moral governance and just leadership. Saadi's emphasis on forgiveness, wise rule, and moral instruction aligns with modern developmental and structural crime prevention approaches (13, 31). These

patterns suggest a proto-criminological discourse embedded in *Gulistan* that not only critiques deviant behavior but also proposes social strategies for moral correction and prevention.

In evaluating the narratives through a criminological lens, the discussion further reveals that *Gulistan* encompasses both individual and structural dimensions of deviance. On the individual level, Saadi explores how characters with weak willpower or immoral tendencies succumb to external influences. This is particularly evident in stories that juxtapose characters raised in virtuous environments against those immersed in corrupt social circles (11, 12). On the structural level, Saadi highlights how mismanagement, poverty, and absence of educational or moral infrastructures contribute to social breakdowns that facilitate deviance (20). These perspectives mirror contemporary theories that emphasize both micro-level and macro-level factors in criminal behavior. Saadi's treatment of deviance is not merely punitive but reformatory; his tales often provide pathways for redemption, emphasizing the role of mercy, reform, and proper companionship in behavioral correction. Notably, the research points to how *Gulistan* could be integrated into contemporary moral education and crime prevention programs by promoting literature-based behavioral modeling, drawing on Saadi's philosophical pedagogy of virtue through allegory and example (16, 17).

The study also critically compares Saadi's insights with modern criminological frameworks to assess their compatibility and limitations. Saadi attributes a portion of deviant behavior to inherent traits, a perspective less emphasized in differential association theory, which prioritizes environmental influence. This essentialist view is challenged by modern theories that advocate for multifactorial models incorporating biological, psychological, and sociological factors (34). However, Saadi's emphasis on moral education and reform resonates strongly with developmental prevention models, suggesting that his work, though pre-modern, offers enduring strategies for social rehabilitation. Furthermore, while differential association theory presumes that behavior is entirely learned, Saadi maintains a nuanced stance that acknowledges both disposition and environment. This layered understanding suggests that literary ethics, when read through a criminological lens, can complement scientific theories by adding moral depth and context-specific insights. Saadi's approach is not deterministic but reflective, advocating a balanced view where behavior is shaped by dynamic interactions between inner character and outer conditions (15, 35).

In conclusion, the research underscores the pedagogical and criminological value of classical Persian literature, specifically *Gulistan*, in understanding and potentially mitigating deviant behavior. Saadi's narratives illustrate how associations with virtuous or

immoral companions, exposure to specific social environments, and experiences within family structures influence character development. His tales serve not only as moral instruction but also as case studies in social learning and behavioral influence. By applying differential association theory to *Gulistan*, this study reveals a striking congruence between classical literary wisdom and contemporary criminological science. It also opens pathways for interdisciplinary inquiry, suggesting that ancient literature can inform modern approaches to crime prevention and moral education. Ultimately, Saadi's vision reflects a deep understanding of human behavior that remains relevant for today's scholars, educators, and policymakers seeking to build ethical and crime-resilient societies.

References

1. Ingenito D. Beholding beauty: Sa' di of Shiraz and the aesthetics of desire in medieval Persian poetry: Brill; 2020.
2. Naghizadeh M. Semantic Expansion of Taste Words in Saadi's Golestan within the Framework of Cognitive Semantics. *Language Research*. 2024;50:189-221.
3. Faghiri M, Modarresi F, Fatemian A. A Comparative Study of Tense and Mood in Saadi's Golestan and Majd Khafi's Rouzeh Khold with a Functional and Critical Stylistic Approach. *Stylistics of Persian Poetry and Prose*. 2024;98:159-76.
4. Moazani AM, Asadi R. Reflection of Practical Mysticism in Saadi's Works. *Islamic Mysticism*. 2024;79:1-23.
5. Lomas T. Towards a positive cross-cultural lexicography: Enriching our emotional landscape through 216 'untranslatable' words pertaining to well-being. *The Journal of Positive Psychology*. 2016;11(5):546-58.
6. Nilchian E. Sufi-Romantic Self Loss: The study of the influence of Persian Sufism on English romantic poetry 2011.

7. Bazayi L. Criminology in Educational Literature: Reflection of Criminological Teachings in Saadi, Hafiz, and Molavi's Works: Salehiyan; 2017. 1-103 p.
8. Viitamäki M. Poetry in Sufi Practice: Patrons, poets and performers in South Asian Sufism from thirteenth century to the present 2015.
9. Abbasi M. Examining White-Collar Crimes from a Criminological Perspective (Using Sutherland's Theory). Ministry of Science, Research, and Technology - Payame Noor University. 2006;1:1-121.
10. Khosravi M, Khosravi M, editors. Reduction of Intragroup Social Capital in Iranian Families Under the Influence of Virtual Social Networks in Light of Sutherland's Differential Association Theory 2014.
11. Ebrahimi Qavam S, Farahbakhsh K, Abdollahi R. Examining Sutherland's Differential Association Theory and Situational Criminology Theory in Explaining Violent Crimes of Male Prisoners in Isfahan Prison. Ministry of Science, Research, and Technology - Allameh Tabataba'i University. 2012;1:1-110.
12. Afshar M, Mohseni F. A Criminological Reading of Saadi's Works in the Domain of Juvenile Deviance. Interdisciplinary Literary Research. 2019;1(2):1-27.
13. Kalamzadeh Eshraty M, Hosseini J. Exploring the Reflection of Developmental and Critical Criminology Theories in Saadi's Golestan and Bustan. Legal Companion. 2019;12:527-600.
14. Akbarizadeh. Metalinguistic Analysis of Saadi's Golestan. Literary Criticism and Rhetoric Research Journal. 2018;7(1):1-20.
15. Rostami H, Molabigi H. Criminological Reading of Saadi's Works (Focusing on Golestan and Bustan). Legal Research Quarterly. 2017;20(77):229-63.
16. Vahdani Far O, Sarfi MR, Basiri MS. Analysis of Saadi's Golestan and Bustan Stories Based on Todorov's Theory. Persian Literature Text Studies. 2017;9(3):63-80.
17. Imani A. Criminology in Literature: Criminological Thoughts in Saadi and Molavi's Works: Arvif Publications; 2003. 245-320 p.
18. Mikkelsen J. Beholding Beauty: Sa'di of Shiraz and the Aesthetics of Desire in Medieval Persian Poetry. Domenico Ingenito (Leiden: Brill, 2020), 697 pp. Iranian Studies. 2022;55(2):575-7.
19. Sadr al-Hefazi SM. Educational Factors in Chapters Seven and Eight of Saadi's Golestan. Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran. 2006;1:153-77.
20. Kämpfer C. Ingenito, Domenico: Beholding Beauty. Sa'di of Shiraz and the Aesthetics of Desire in Medieval Persian Poetry. Leiden/Boston: Brill 2021 (= Brill Studies in Middle Eastern Literatures 41). € 110, 00. ISBN 978-90-04-43589-6. 2024.
21. Lawrence J. Beholding beauty: Sa'di of Shiraz and the aesthetics of desire in medieval Persian poetry: by Domenico Arturo Ingenito, Ser. Brill Studies in Middle Eastern Literatures, vol. 41, Leiden/Boston, Brill, 2020, 697 pp., € 110/\$132 (hardback), ISBN: 978-90-04-43589-6 2021.
22. Dehghan A. Factors Influencing Productivity in Saadi's Golestan and Its Role in Management. Productivity Management. 2018;16:199-229.
23. Sahin A. Love of Learning as a Humanizing Pedagogic Vocation: Perspectives from Traditions of Higher Education in Islam. 2021. p. 137-87 DO - 10.1007/978-3-030-82371-9_8.
24. Rajabi M, Hashemian L, editors. Examining Factors Influencing Personality Formation and Its Impact on Socialization in Saadi's Golestan 2016.
25. Abdolmohammadi P. The Social and Political Thought of Sayyid 'Ali Moḥammad Širāzi, the Bāb. Eurasian Studies. 2024;21(1):102-26.
26. Zabihi R, Jahani MT, Hosseini G. Social Classes in Saadi's Bustan and Golestan. Ministry of Science, Research, and Technology - Ilam University - Faculty of Literature and Humanities. 2014;1:1-99.
27. Rahimi A, Rezaei A, editors. Golestan and Factors Influencing Education 2016.
28. Ebrahimi J, Babaei L, Saghaei M, Nikdar Asl M, Bahmaniar M, editors. Literary Features, Educational, and Ethical Points in Selected Stories of Saadi's Golestan Character Analysis in Saadi's Golestan and Bustan Based on William Benham's Seven Planetary Types 2021.
29. Esfandiari S. Contentment in Saadi's Expression / Saadi and Youth / Wisdom and Reason in Saadi's Perspective / A Word from Saadi About Arrogant and Proud People / The Impact of Companionship and Environment in Saadi's Expression. Tooba. 2007;17:101-6.
30. Shirvani S. Golestan of Education: (Educational Chapter of Saadi's Golestan, Special for Adolescents). Shalak. 2018;1:510-600.
31. Rahimi M, Mohtadiani K, Najarian M, Elhambakhsh SM. "Social Dilemma" and Its Application in Individual Teachings of Saadi's Golestan. Literature and Language. 2023;54:169-201.

32. Ahmadi OA. Sociological Content of Saadi's Golestan. Saadi Studies. 2009;14:12-23.
33. Ahmadvand M, Shamaei M, Moeini Fard B. Individual Teachings of Lifestyle: Lifestyle from Saadi's Perspective in Golestan. Social Sciences Education Growth. 2018;12:41-55.
34. Akbarpour Birjandi S, Dabaghiyan M, editors. The Impact of Poverty and Wealth on Crime and Victimization from Saadi's Perspective 2021.
35. Kalamzadeh Eshratabad M. The Contrast Between Deterministic Thought and Crime Learning in Saadi's Criminological Approach JO - Jurisprudence, Law, and Criminal Sciences. 2019;12:1-12.